



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

جستاری درباره

احمد بن حلال

نویسنده :

محمد عارف جو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جستاری درباره احمد بن هلال

نویسنده:

مهدی عارفی جو

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جستاری درباره احمدبن هلال
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	طرح مسئله
۶	الف) بررسی هویت
۶	اسم
۷	نسب
۷	نسبت و تاریخ زندگانی راوی
۷	کنیه راوی
۷	لقب راوی
۷	طبقه راوی
۸	ب) کتب و آثار راوی
۸	ج) واکاوی حال راوی
۱۴	نتیجه
۱۵	فهرست منابع
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جستاری درباره احمد بن هلال

مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی عارفی جو

چکیده

احمد بن هلال و ملقب به «عبرتائی» از کسانی است که روایات متعددی را نقل نموده و نام او به عنوان راوی در سند بسیاری از احادیث ذکر شده است و گرچه به عنوان اصحاب ائمه از او یاد می‌شود اما به علت انحرافات و موجب طرد توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شد و جامعه شیعه و بالطبع کتب رجالی از او به عنوان مطرود و ملعون و غالی یاد می‌کنند. از این رو، این نوشتار متعهد است تا به پی‌جویی هویت و حال وی بپردازد تا از این طریق بتوان قضاوتی مناسب نسبت به خود او و نیز احادیثی که او نقل نموده داشت.

طرح مسئله

در زمان باقرین علیهم السلام که به عصر طلایی حدیث شیعه نامدار است بسیاری از شاگردان ایشان از دگر اندیشان مذهبی و باورمندان مکتب خلفا بوده‌اند که با گسترش دامنه فقه و اصول و گفت و گوهای علمی میان اندیشمندان شیعه و عامه و در هم آمیختگی روایت‌های درست و نادرست در عصر علامه حلی، این انگیزه پدید آمد که احمد بن طاووس حلی (م ۶۷۷ ق) و شاگردش، علامه حلی (م ۷۲۶ ق) روایات را، به اعتبار راوی آن، به چهار گونه اصلی صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم کنند. (حسن بن زین الدین، ۱۳۶۲ ش، ۱/۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱ ق، ۱/۱۳۷ - ۱۷۷) هر چند برخی معتقدند که چنین تقسیم‌بندی و اصطلاحاتی را نیز می‌توان در شیوه قدما مشاهده کرد (کنی، ۱۴۲۱ ق، ۲۴۳؛ خواجه‌جویی، ۱۴۱۳ ق، ۱۷۰ و ۱۷۱) اما غالب اندیشمندان، تقسیم حدیث به چهار گونه فوق را محصول تلاش متأخران دانسته و احمد بن طاووس و شاگردش، علامه حلی را پیشگام این عرصه بر می‌شمارند. (حسن بن زین الدین، ۱۳۶۲ ش، ۱/۴؛ عاملی، ۲۶۹؛ فضلی، ۱۴۲۱ ق، ۲۶). بنا بر این، شناخت راوی و حال وی در تعیین نوع و میزان اعتبار احادیث بسیار مؤثر است.

از همین رو ما نیز بر آنیم تا ابتدا به واکاوی شخصیت و حال یکی از راویان ائمه (علیهم السلام) یعنی احمد بن هلال عبرتائی بپردازیم که به همین جهت با بررسی هویت وی با نام و نسب و نسبت و طبقه اش آشنا شویم و سپس به واکاوی حال راوی و مدح و ذمی که برای او وجود دارد پرداخته تا از این رهگذر مشخص شود که وی موثق است یا غیر موثق و آیا می‌توان به او و روایاتش اعتماد داشت یا خیر. همچنین این نوشتار خود را متعهد می‌داند به آثار و کتبی که از این شخص گزارش شده است، اشاره نماید. بر همین اساس است که در این تحقیق سعی شده است از کتب مطرح رجالی یعنی اصول اولیه و ثانویه و نیز جوامع رجالی استفاده شود.

حال به بررسی بیشتر راوی مد نظر می‌پردازیم.

الف) بررسی هویت

در تمام کتب مطرح رجالی نام وی با عنوان «احمدبن هلال»، ضبط شده است (طوسی، ۱۳۴۸ش، ۶/۵۳۵؛ همان، ۱۳۸۵ق، اصحاب ابی الحسن الثالث (امام هادی)، باب همزه، ۳۸۴؛ همان، الفهرست طوسی، باب همزه، باب احمد، ۸۳؛ النجاشی، ۱۴۱۸ق، باب الف منه، ومن هذا الباب احمد، ۸۳).

نسب

درباره اجداد و اوضاع خانوادگی او گزارشی در منابع تاریخی دیده نمی‌شود و می‌توان به این میزان بسنده کرد که نام پدر وی «هلال» بوده است.

نسبت و تاریخ زندگانی راوی

وی در سال ۱۸۰ ه.ق در «عبرتا» که روستایی بزرگ و از نواحی نهروان بغداد و در واقع میان واسط و بغداد است متولد شد و در سال ۲۶۷ ه.ق در سن ۸۷ سالگی در بغداد از دنیا رفت (طوسی، الفهرست، باب همزه، باب احمد، ۸۳؛ نجاشی، ۱۴۱۸ق، باب الف منه، / و من هذا الباب احمد، ۸۳).

عبرتا روستایی در ناحیه اسکاف است و وی از قبیله «بنی جنید» بود که دانشمندان شیعی و سنی بسیاری از این طائفه ظهور کرده اند (همان؛ طوسی، ۱۳۸۵ق، اصحاب ابی الحسن الثالث (امام هادی)، باب همزه، ۳۸۴؛ حلی، قسم الثانی، الفصل الأول فی الهمزة، الباب الرابع، ۲۰۲).

کنیه راوی

در کتب رجالی تنها کنیه اشاره شده او «ابوجعفر» است (ابن داود، ۱۳۸۳ش، ۲/۴۲۵).

لقب راوی

بیشتر کتاب‌های رجالی، او را ملقب به «عَبْرَتَائِبِی» می‌دانند (طوسی، ۱۳۸۵ق، ۳۸۴؛ ابن داود، ۱۳۸۳ش، ۴۲۵؛ حلی، ۲۰۲). البته چون وی در محلّه شیعه نشین کرخ در بغداد سکونت داشت، برخی او را «کرخی» نیز نامیده اند همچون شیخ طوسی در «کتاب الغیبه» وی را «کرخی» نامگذاری کرده و «بغدادی» نیز درباره او گفته شده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۳۹۹؛ نجاشی، ۱۴۱۸ق، ۸/۲۱۸؛ طوسی، ۱۳۸۵ق، اصحاب ابی الحسن الثالث محمد بن علی (هادی)، باب همزه، ۳۸۴). البته در این میان صاحب تنقیح المقال بر اساس سخن برخی لغویون و مورخین معتقد است که اسم قریه احمدبن هلال «عبرتی» بوده نه «عبرتا» و بنابر این، این فرد «عبرتی» است (مامقانی، ۸/۲۰۸).

طبقه راوی

درباره «احمد بن هلال» در کتب رجالی مطرح به هم زمانی وی با ائمه علیهم صلوات الله و نیز مشایخ و شاگردانش اشاراتی شده است.

وی از یاران امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بوده است (طوسی، ۱۳۸۵ق، اصحاب ابی الحسن الثالث محمد بن علی (هادی) علیه السلام، باب همزه، ۳۸۴ و اصحاب ابی محمد الحسن بن علی بن محمد بن علی الرضا (حسن عسکری) علیه السلام، باب همزه ۳۹۷؛ حلی، قسم الثانی، و أما الخاتمة، الفائدة السادسة، ۲۷۴).

البته لازم به تذکر است که وی از دوران امام رضا علیه السلام تا سال هفتم غیبت صغرا را درک کرد و به محضر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، تشرّف یافت، ولی به خاطر ملازمت ممتد نزد امامان بعدی و استماع روایات و نقل از آن‌ها و استفاده از محضر درسشان در زمره عالمان بزرگ شیعه در آن عصر محسوب می‌گردد.

وی اکثر مدت تحصیل خود را در بغداد سپری گردانید و در آنجا با افرادی همچون ابو محمّد شریعی و ابو جعفر محمّد بن علی شلمغانی و محمّد بن عثمان بن سعید - سفیر دوم امام زمان - هم بحث شد.

از جمله استادان او، حسن بن محبوب و ابن ابی عمیر است (ابن داود، ۱۳۸۳ ش، ۲/۴۲۵؛ حلی، ۲۰۲)، و از جمله شاگردان او عبدالله بن جعفر حمیری، عبدالله بن العلاء المذاری می‌باشد (نجاشی، ۱۴۱۸ق، باب الف منه، / و من هذا الباب احمد، ۸۳).

ب) کتب و آثار روای

از جمله آثار او، دو کتاب یوم و ليله و کتاب النوادر (تازه‌ها) هستند که بیشتر اصحاب حدیث این دو کتاب را شنیده‌اند و بر محتوای آن‌ها اعتماد کرده‌اند (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ۸/۲۱۱؛ نجاشی، ۱۴۱۸ق، باب الف منه، و من هذا الباب احمد، ۸۳).

آنچه به عنوان طریق به این دو کتاب مطرح شده است، مطلبی است که نجاشی در رجالش آن را بیان می‌دارد. وی در طریق به کتاب «النوادر» می‌آورد:

أخبرني بالنوادر أبو عبد الله بن شاذان عن أحمد بن محمد بن يحيى عن عبد الله بن جعفر عنه عن به

و در طریق به کتاب «یوم و ليله» نیز می‌نویسد:

أخبرني أحمد بن محمد بن موسى ابن الجندی قال: حدثنا ابن همام قال: حدثنا عبد الله بن العلاء المذاری عنه بکتاب یوم و ليله (نجاشی، ۱۴۱۸ق، باب الف منه، و من هذا الباب احمد، ۸۳).

ج) واکاوی حال روای

علمای رجال زندگانی علمی و معنوی او را به دو دوره تقسیم کرده‌اند: دوره اول، که بخش عمده زندگی او را تشکیل می‌دهد، یعنی همان مدت طولانی که او در ملازمت با دو امام بزرگوار علیهم صلوات الله سپری نمود، همراه با صلاح و سداد و تقوا و درست کاری بود.

ولی دوره دوم، که اواخر عمر او را تشکیل می‌دهد و در واقع هم زمان با حیات دو امام یازدهم و دوازدهم علیهم صلوات الله بوده، همراه با تردید و مذمت و انکار و طرد و لعن گزارش شده است.

در بیشتر کتب رجالی، او را غالی و متهم در دین مطرح نموده و البته اشاره کرده‌اند که بیشتر اصول اصحاب ما از او نقل روایت شده است (طوسی، الفهرست، باب همزه، باب احمد، ۸۳؛ حلی، قسم الثانی، الفصل الأول فی الهمزة، الباب الرابع أحمد، ۲۰۲؛ طوسی، ۱۳۸۵ق، اصحاب ابی الحسن الثالث (امام هادی، باب همزه، ۳۸۴).

در کتبی چون رجال ابن الغضائری (الغضائری واسطی بغدادی، ۱۳۸۰ ش) و رجال برقی (برقی، ۱۴۱۹ق) به طور مستقل به معرفی وی پرداخته‌اند و کتب دیگری چون نقد الرجال (تفرشی، ۱۴۱۸ ه ق، ۱/۱۷۷) و رجال ابن داود به بیان آنچه دیگران گفته‌اند بسنده نموده و نظر جدیدی ندارند و البته در رجال ابن داود نام وی در فصل «فیمن وردت فیہ اللعنه» نیز آمده است (ابن داود، ۱۳۸۳ ش، الجزء الثانی، فصل فیمن وردت فیہ اللعنه، ۵۵۱).

نجاشی پس از اینکه او را «صالح الروایه» معرفی کرده، گفته است: در بین احادیث او هم روایات خوب و هم روایات نادرست وجود دارند. و امام حسن عسکری علیه السلام در توقیعاتی به مذمت درباره او پرداخته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۸ق، باب الف منه، و من هذا

الباب احمد، ۸۳).

وی پس از آنکه نیابت نایب دوم را انکار کرد و خود ادعای نیابت نمود، در اواخر عمرش، مسلک صوفیه را در پیش گرفت و ۵۴ حج گزارد که بیست بار آن با پای پیاده بود (استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ۲/۲۲۷).

اما در این که وی به چه علت و کیفیتی دچار انحراف شد در کتب معتبره رجالی و تاریخی موارد بسیاری مطرح است که البته نزدیک به هم می باشد.

شیخ طوسی در این باره می نویسد: «احمد بن هلال از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود.

در زمان آن حضرت شیعیان اتفاق داشتند که وکیل امام به فرمان حضرت، محمد بن عثمان است. بعد از رحلت آن حضرت، شیعیان از احمد بن هلال پرسیدند که چرا وکالت محمد بن عثمان را قبول نمی کنی و در امور دینی خویش به وی مراجعه نمی نمایی، با اینکه امام مفترض الطاعه او را به این مقام تعیین فرموده است؟ احمد بن هلال گفت: من از امام حسن عسکری علیه السلام چیزی راجع به وکالت محمد بن عثمان شنیده‌ام. وکالت پدرش عثمان بن سعید را انکار نمی کنم، اگر بدانم و یقین کنم محمد بن عثمان وکیل صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است به وی جسارت نمی ورزم.

گفتند دیگران از امام علیه السلام شنیده‌اند که محمد بن عثمان وکیل آن حضرت و بعد از وی وکیل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، گفت: اگر شما شنیده‌اید، اطاعت از محمد بن عثمان بر شما واجب است نه بر من.

و در بعضی بیانات نیز چنین آمده که گفت: ائتم و ما سمعتم (یعنی شما را با گفته هایتان) (طوسی، الفهرست، باب همزه، باب احمد، ۸۳؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ۲/۲۲۷؛ حلی، قسم الثانی، و أمال الخاتمة، الفائدة السادسة، ۲۷۴).

از این رو، از پذیرفتن وکالت ایشان خودداری کرد و او را به این سمت نپذیرفت. شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند.

سپس توقیعی به دست حسین بن روح (نایب سوم امام زمان علیه السلام از سال ۳۰۵ هـ ق به بعد نیابت داشت) صادر شد که حضرت او را لعنت نموده است، و به شیعیان امر کرده بود که از وی دوری جویند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۳۹۹).

کشی معتقد است که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او را بسیار نکوهش کرد و در موردش فرمود:

«از این صوفی ریا کار و بازیگر پروا کنید» (طوسی، ۱۳۴۸ق، ۶/۵۳۵).

البته بسیاری این جمله را در نکوهش او، از جانب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته‌اند و از تاریخ نیز فهمیده می شود که احمد بن هلال تا آخر سفارت و نیابت نایب نخست منحرف نشده بود؛ لکن به مجرد وفات عثمان بن سعید در نایب دوم شک کرد و نیابت او را نپذیرفت (صدر، ۱۴۱۲ق، ۱/۵۰۲).

بنابر این، توقیع مذکور «احذر و الصوفی المتصنع» از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان حیات او به دست محمد بن عثمان صادر شده است و توقیعات بعدی، بعد از حیات وی به دست حسین به روح صادر گردیده است؛ چون توقیعات امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به قاسم بن علاء هم به دست محمد بن عثمان و هم حسین بن روح فرستاده می شد (شوشتری، ۱۳۷۴ش، ۱/۶۷۶).

به همین جهت وی در زمان امام حسن عسکری علیه السلام منحرف نشده بود و لذا آن روایاتی که «نجاشی» ذکر کرده، از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد (همان ص ۶۷۴).

البته برخی نیز اشاره به این نکته کرده اند که این توقیعات توسط ابن روح خوانده شده و لیکن مشکل است این توقیعات را به زمان ابن روح، سومین سفیر (۳۲۶ - ۳۰۵) نسبت داد؛ زیرا در آن زمان هیچ رد پایی از ادعای ابن هلال در بین امامیه وجود ندارد؛ احتمال زیادی وجود دارد که حسین بن روح در زمانی که به عنوان وکیل، تحت نظر سفیر دوم به خدمت مشغول بوده، به دستور

وی این حکم را علیه ابن هلال منتشر ساخته باشد، بویژه با در نظر گرفتن سال مرگ ابن هلال (۲۶۷ق) که زمانی طولانی قبل از وصول ابن روح به سفارت است.

به نظر می‌رسد منازعات ابن هلال قبل از وفات سفیر دوم در سال (۳۰۵ق) خاتمه یافته باشد (جاسم، ۱۳۸۵ ش، ۱۶۵). همان گونه که مشخص شد توقعات متعددی از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از انحراف احمد بن هلال صادر شده است که از آن جمله می‌توان اشاره نمود که:

از جمله توقعات از طرف حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در رد غلات شیعه آمده است، در پاسخ عریضه ی محمد بن علی بن هلال کرخی است و باید توجه داشت که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان حیات هلال نیز به وی نسبت به اقداماتش هشدار داده بود و ارشادات لازم را نموده بودند؛ ایشان می‌فرمایند:

ای محمد بن علی! خداوند متعال بالاتر از آن است که به وصف آمده و او را حمد و ثنا گویند. ما خاندان رسالت شریک در علم خداوند و قدرت او نیستیم، بلکه غیب و علم به آن مختص ذات پاک اوست، چنان که در قرآن مجیدش فرموده است: «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ...» (النمل/۶۵).

من و همه آباء و اجداد گرامی ام از اولین - آدم و نوح، ابراهیم و موسی و دیگر پیامبران الهی - و از آخرین - محمد و علی و دیگر بزرگواران از ائمه معصومین، علیهم صلوات الله، تا امروز که نوبت امامت به من رسیده است، همگی بندگان خدا هستیم و خداوند بزرگ در قرآنش فرموده است:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى» (طه / ۱۲۷-۱۲۴).

ای محمد بن علی! نادانان شیعه و نابخردان آن‌ها موجب آزار و اذیت ما خاندان وحی را فراهم می‌کنند و افرادی که دینشان برای آنها به اندازه یک بال مگس ارزش ندارد، باعث ناراحتی ما هستند.

من، خداوند بزرگ را که خدایی جز او نیست به شهادت می‌گیرم و البته او برای شهادت، کافی است و همچنین حبیبش محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ملائکه و پیامبران او و نیز تو و هر کس را که فرمان من به او برسد گواه می‌گیرم که از افرادی که می‌گویند علم غیب نزد ماست و ما در آفرینش موجودات شریک هستیم، و ما را از محلی که خداوند برای ما قرار داده و راضی است بالاتر می‌برند، بیزارم.

همچنین از کسانی که از آنچه برای تو بیان کردم (بندگی خداوند) و از آنچه در ابتدای نامه ام بدان اشاره کردم گامی فراتر بروند، بیزارم و اینان البته گرفتار سخط و عذاب الهی خواهند بود. و من تو را گواه می‌گیرم که هر کس که ما از او بیزاری جوئیم، خداوند و ملائکه و فرستادگانش و اولیای الهی نیز از او بیزار خواهند بود.

ای محمد بن علی! این توقع را به عنوان امانت به گردن تو و هر که نامه من به او برسد قرار دادم و مکلف هستید که محتوای این فرمان را به همه دوستان و شیعیان من برسانید. شاید خداوند متعال به آنها توفیق عنایت فرماید و در سایه بهره برداری از کلمات من، به سوی دین حق برگردند و از آنچه نمی‌دانند، دست بردارند.

پس هر کس از شیعیان و دوستان ما از مضمون فرمان من در این توقیع آگاهی یافت و به آنچه در این فرمان بیان شده عمل نکرد سزاوار لعنت خداوند و ملائکه و فرستادگان و اولیای او خواهد بود (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۲/۴۷۳).

کشی پس از آن که در وصف او می‌گوید «مذموم فی الروایه» در رجال خود، از احمد بن ابراهیم مراغی روایت می‌کند که: نسخه‌ای مشتمل بر لعن ابن هلال برای قاسم بن علاء (از وکلای حضرت و از کارگزاران محمد بن عثمان و حسین بن روح بوده

است) رسید.

سپس می‌گوید: راویان اصحاب ما او (احمد بن هلال) را در عراق ملاقات نموده و احادیثی را از وی یادداشت کردند، و چون این تویق صادر شد، آن را انکار نمودند و قاسم بن علاء را مجبور کردند که راجع به وی (مجدداً) به ناحیه مقدسه (از طریق سفیر و نایب دوم) مراجعه کند.

از ناحیه مقدسه هم، تویقی به این مضمون صادر گشت: «ما درباره این ریاکار و متظاهر، ابن هلال، نظر خویش را به تو اعلام داشتیم، چنانکه می‌دانی خداوند گناهان او را نخواهد آمرزید و هرگز گناهان او را نخواهد بخشید و از لغزش او نمی‌گذرد. بدون اجازه و رضایت ما، در کار ما دخالت می‌کند، و مستبد و خودسر است و وجوهات امام را برای خود نگه داشته و از اجرای فرامین ما سر باز زده است؛ جز آن‌هایی را که به مذاق وی خوش آمده باشد. اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که به وسیله این کارها، او را وارد جهنم کند، (در عین حال ما) در مقابل کارهای او صبر نمودیم، تا اینکه خداوند دعای ما را مستجاب کرد و عمر او را قطع نمود.

در رابطه با او، در زمان حیاتش به عده قلیلی از دوستداران نزدیکمان اطلاع دادیم و به آن‌ها سفارش کردیم تا آن را به پیروان صمیمی ما ارائه دهند؛ ما برائت و دوری می‌جوییم از او، خدا او را رحمت نکند و برائت می‌جوییم از کسانی که از او کناره‌نگیرند. به اسحاق (احتمالاً احمد بن اسحاق اشعری باشد) و اهل بیت او و کسانی که از بلاد او و خارج از بلاد او، درباره وی قبلاً از تو سؤالی کرده‌اند، و حالا از تو سؤالی می‌کنند، و کسانی که می‌توانند مطلع شوند، حال این فاجر را بر آن‌ها اعلام کن. دیگر هیچ عذری برای هیچ‌یک وجود ندارد تا در گفتار افراد مورد وثوق ما شک نمایند؛ زیرا که این بیانات را ما به آن‌ها ارائه می‌دهیم (طوسی، ۱۳۴۸ ش، ۶/۵۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۵۰/۳۱۸).

راوی این حدیث ابوحماد بن ابراهیم مراغی می‌گوید: با وجود این تویق هم، باز بعضی‌ها در پیروی از احمد بن هلال ثابت قدم باقی ماندند و مجدداً تویق سومی در مذمت آن‌ها وارد شد که امام فرمودند: خداوند او را به سعادت و پاداش نرساند و خداوند هیچ کس را بعد از هدایت به سمت گمراهی رها نمی‌کند و کسی را از جایگاهی که هست به اجبار بر نمی‌دارد و شما دانستید ماجرا و کار این دهقان (اشاره به احمد بن هلال) را که لعنت خدا بر او باد و خدماتش و مدت همراهی و مصاحبتش با ائمه را ولی خداوند ایمانش را آن هنگامی که به امور ناشایست پرداخت به کفر تبدیل کرد و مشمول نقت قرار داد (همان).

آن حضرت در تویق مشابهی فرمودند: «ابن هلال ایمان خود را پایدار نداشت و با آنکه مدت طولانی خدمت کرد، به دست خود ایمانش را به کفر دگرگون ساخت و خدا نیز او را کیفر داد» (طوسی، ۱۳۴۸ ش، ۶/۵۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق، ۳۹۹).

در تویقی که درباره «شلمغانی» حسین بن روح، نایب سوم حضرت، در زندان مقتدر، خلیفه عباسی در سال ۳۱۲ ه.ق. به بعضی اصحاب خود فرستاد، حضرت از احمد بن هلال نیز ابراز انزجار کرده بود و در آن تویق چنین آمده: «به مردم اطلاع بده که ما از دوستی وی (شلمغانی) خودداری نموده و از او دوری می‌جوییم؛ همان طوری که از امثال او: شریعی، نمیری، هلالی و بلالی دوری جستیم...» (همان، ۴۱۱).

محمد بن صالح می‌گوید: «موقعی که خبر فوت احمد بن هلال ملعون، از ناحیه مقدسه رسید، شیخی نزد من آمد و گفت: کیسه‌ای را که نزد توست بیرون بیاور؛ آن را بیرون آورده و گشودم، دیدم نامه‌ای به این مضمون به نام من صادر گشته: آنچه راجع به صوفی بدعت کار یعنی «هلالی» گفته بودی، خداوند پیوند عمر او را برید. پس از مرگ احمد بن هلال نیز، نامه‌ای به این مضمون آمد: او قصد کشتن ما را کرد، ما هم صبر کردیم تا خداوند با نفرین ما، پیوند عمر او را برید (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ۲/۴۸۹).

بنابر این، همان گونه که از متن این تویقات نیز روشن است، احمد بن هلال مورد طرد و لعن امام علیه السلام قرار گرفته و فردی خارجی و مرتد دانسته شده است.

حال باید دانست که آیا می‌توان به روایات منقول چنین فردی اعتماد نمود یا آن که باید علی‌الإطلاق حکم به عدم اعتماد داد؟ البته نباید فراموش نمود که در اسناد حدود شصت روایات، اسم احمد بن هلال وارد شده است.

شیخ در «التهذیب» می‌گوید: «مشهور است که احمد بن هلال از غلات و از لعنت شدگان (توسط امام علیه‌السلام -) می‌باشد و مطالبی که فقط توسط ایشان روایت شده باشد، به آن عمل نمی‌کنیم» (طوسی، ۱۴۰۷ ه ق، ۹/۲۰۴).

و در «استبصار» می‌نویسد: «احمد بن هلال، از روایان ضعیف و فاسد المذهب است و مطالبی که فقط توسط ایشان نقل شده باشد، به آن احادیث اعتناء نمی‌شود» (همان، ۱۳۹۰ ق، ۳/۲۸).

و همچنین شیخ در کتاب «عدة الاصول» در دو مورد از «غلات» بحث کرده است: در یک جا همان اقوال سابق را متذکر می‌شود، اما در جای دیگر قائل به تفصیل می‌شود.

در بحث خبر واحد می‌نویسد: «آن روایاتی که فقط از طریق «غلات» روایت شده باشد، جایز نیست به آن‌ها عمل کنیم؛ ولی اگر ثقات دیگری هم آن‌ها را روایت کرده باشند، جایز است به آن روایت عمل کنیم و این به خاطر همان راوی ثقه است» (همان، ۱۴۱۷ ق، ۱/۱۲۱).

لیکن در باب «تعادل و تراجیح» می‌نویسد: «و اما روایاتی که فقط آن‌ها را «غلات» نقل کنند، اگر معلوم باشد که روای، آن روایت را قبل از انحراف یا بعد از انحراف نقل کرده است، آن روایاتی که قبل از انحراف آن‌ها نقل شده به آن‌ها عمل می‌شود ولی آن روایاتی که بعد از انحراف نقل شده باشد، آن‌ها ترک می‌شوند و به آن‌ها عمل نمی‌شود.

به خاطر همین مطلب، علمای امامیه به روایات ابوالخطاب محمد بن ابی زینب در حال عدم انحرافش عمل می‌کنند و روایات بعد از انحراف او را ترک می‌کنند و درباره احمد بن هلال عبرتائی نیز (همین تفصیل) جاری است» (همان، ۱/۱۵۱).

مرحوم خوئی این تفصیل را التزام طوسی به وثاقت او می‌داند؛ چون اگر او ثقه نباشد، روایات او در حال استقامت و عدم انحراف نیز مردود است (موسوی خوئی، ۱۴۱۳ ق، ۳/۱۵۳).

علامه حلی در رجال خویش می‌نویسد: «ابن غضائری در احادیثی که توسط احمد بن هلال نقل شده باشد توقف کرده است، مگر آن روایاتی که «احمد بن هلال» از «حسن بن محبوب» (م ۲۲۴ ق) از کتاب «مشیخه» و از «محمد بن ابی عمیر» (م ۲۱۷ ق) از کتاب «نوادر» نقل کرده باشد؛ چون اکثر اصحاب حدیث، این دو کتاب را دیده‌اند، و لذا به آن‌ها اعتماد دارند.

لیکن احادیث منقول از طرف احمد بن هلال در نزد من (علامه حلی) مورد قبول نیست» (حلی، الفصل الأول فی الهمزة، الباب الرابع أحمد، ۲۰۲؛ ابن داود، ۱۳۸۳ ق، ۲، باب همزه / ۴۲۵؛ ونیز در، ج ۲، فصل فیمن وردت فیہ اللعنه / ۵۵۱).

مرحوم خوئی سخن ابن الغضائری را تفصیل جدیدی نمی‌داند و آن را به تفصیل شیخ طوسی باز می‌گرداند. چون در غیر این صورت، خواه ثقه باشد و یا نباشد، فرق گذاشتن بین روایات او از کتاب ابن محبوب و ابن ابی عمیر و غیره چه دلیلی دارد؟ (خوئی، ۱۴۱۳ ق، ۳/۱۵۳).

آنچه در کتب رجالی برخی چون استرآبادی و مامقانی در بیان علت عدم قبول روایات احمد بن هلال در دیگر موارد - یعنی به غیر از دو کتب فوق الذکر - مطرح گشته است دو نکته می‌باشد:

اولاً، دو کتاب مشیخه و نوادر از مصادری هستند که بسیار مورد اعتماد و استفاده علمای امامیه قرار گرفته‌اند و حائز اهمیت هستند، بنابراین، روایت نمودن احمد بن هلال از آن‌ها قابل اعتماد است.

البته مرحوم مامقانی به این دلیل اشکال وارد می‌داند بدین معنا که وجود روایتی در کتب معتبری چون مشیخه و نوادر دلیل بر اعتبار و اعتماد به آن روایت نیست بلکه صرفاً این اعتبار مایه اعتماد آن کتاب می‌شود و از طرفی نباید فراموش نمود که احمد بن هلال فردی غالی، واقف و ناصب است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در توقیعات خویش وی را مرتد و خارجی

دانسته اند، پس نمی توان به روایات وی اعتماد کرد بلکه باید گفت منظور ابن غضائری و افرادی چون او از اعتماد بر روایات وی در نقل از دو کتاب مذکور یا صالح الروایه دانستن وی، اعتماد بر اقوالی است که وی از این دو کتاب در زمان استقامت و عدم انحراف نقل نموده است (مامقانی، ۲۱۷، ۲۱۸).

ثانیاً، وجود روایاتی از ائمه علیهم السّلام که در آن ها نسبت به عدم تفقه و درایت در روایات و بی جهت و بدون دقت نسبت دادن آن روایات به ائمه علیهم السّلام هشدار داده شده است و آن افراد را کافر و خارج از ولایت خویش دانسته اند اما در همان موارد اشاره شده است که نباید چنین افرادی را به طور کلی تکذیب کرد چه اینکه ممکن است در برخی موارد نیز روایتی را به درستی نسبت دهند.

از این نقل می توان دست یافت که باید بر این گونه روایات - روایات دیگر احمد به غیر از منقولات از دو کتاب مذکور - توقف کرد و توقف منافاتی با ترک عمل ندارد اما تکذیب نمودن کلی و مطلق وی جایز نیست (همان؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ۲/ ابواب همزه، ۲۲۶-۲۲۱).

در نهایت مامقانی معتقد است که روایاتی از وی که روشن است در زمان قبل از انحراف و در حال استقامت بوده است قابل اعتماد و دیگر موارد بی اعتبار است (مامقانی، ۲۲۵، ۸).

مرحوم صدوق در کمال الدین، در بحث پاسخ به شبهات زیدیه، به نقل از سعد بن عبدالله (اشعری) فرموده: «ما رأینا و لاسمعنا بمتشیع رجع عن تشیعه الی النصب الا- احمد بن هلال، و كانوا یقولون: ان ما تفرد بروایته احمد بن هلال، فلا یجوز استعماله» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱/ ۷۶).

ندیدیم و نه شنیدیم که شخصی - متشیع - پیرو مذهب اهل بیت، از مذهب خود به نصب و دشمنی و عداوت با اهل بیت برگردد، مگر احمد بن هلال. محدثان می گفتند: روایاتی را که احمد بن هلال منحصراً نقل می کند، عمل به آن روایات جایز نیست. در تنقیح المقال به نقل از صاحب معراج درباره بحث نصب (فوق الذکر) اشاره شده است که عبارت مذکور دلالت بر نصب و دشمنی وی دارد نه غلو - اشاره به غالی بودن وی که بسیاری آن را متذکر شده اند -.

سپس مامقانی و نیز استرآبادی در کتابشان به این نکته اشاره می کنند که در نزد عده ای نصب، همان غلو است و آنان دلیل برابرنهادی این دو واژه را، وجود اطلاقات بسیار برای معنای «نصب» ذکر کرده اند که از همین جهت به زیدیه یا واقفیه و امثالهم ناصبی می گویند.

اما می توان گفت که این دو مفهوم و عنوان - غالی و ناصب - قابل جمع است به این صورت که احمد بن هلال از طرفی غالی است اما نسبت به شأن علی علیه السلام و ناصب نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است (مامقانی، ۸/۲۱۵). در معجم مرحوم خوئی است که نجاشی فرموده: احمد بن هلال جزء کسانی است که محمد بن الحسن بن الولید او را از مرویات محمد بن احمد بن یحیی استثنا کرده است.

و به تبع ابن الولید مرحوم صدوق و ابوالعباس بن نوح نیز احمد بن هلال را استثنا کرده است؛ یعنی به روایات او عمل نکرده است (خوئی، ۱۴۱۳ق، ۳/ ۱۵۰).

خود مرحوم خوئی درباره این جریان معتقد است که :

شکی نیست که این شخص (احمد بن هلال) از نظر عقیده فاسد است و قابل اعتماد نیست، بلکه از زندگی او استفاده می شود که به چیزی پایبند نبوده است. لذا گاهی غلو می کرده است و گاهی اعمال ناصبی بودن از او ظاهر می شده است.

لیکن ما در صدد اثبات این مطلب نیستیم؛ چون اگر راوی «ثقه» (صداقت در گفتار و راستگو) باشد، فاسد بودن عقیده و عمل او (از جهات دیگر) روایت او را از «حجیت» ساقط نمی کند.

اینکه نجاشی در رجال خود گفت: او «صالح الروایه» است، اظهار می‌شود که او شخص ثقه‌ای بوده است. و نیز با داشتن این قرینه که در اسناد تفسیر قمی مثلاً ذیل آیه ۱۰۱ سوره یونس هلال نیز جزو روایان است و نیز در سند کامل الزیارات باب ۷۲ در ثواب زیارت امام حسین علیه السّلام در نیمه شعبان، حدیث دوم نیز در سندش وی حضور دارد که نشان از ثقه بودن وی است. چون در اول کتابش گفته است که غیر از موثقین را در اسناد وارد نکرده است.

از طرف دیگر اینکه شیخ درباره او قائل به تفصیل شد و گفت: روایات او قبل از انحراف قابل اعتماد است، شهادت به وثاقت «احمد بن هلال» است؛ چون اگر راوی شخص «ثقه» نباشد، جایز نیست به روایات او حتی قبل از انحراف او هم عمل شود. بنا بر این، ظاهر قضیه نشان می‌دهد «احمد بن هلال» شخص ثقه‌ای بوده و لیکن از نظر عقیده فاسد بوده است؛ و فساد عقیده بنا بر مطلق حجیت خبر ثقه، ضرری به صحت روایات او نمی‌رساند (همان، ۱۵۳).

مرحوم شوشتری نیز در این باره معتقدند:

حقیقت و تحقیق مطلب درباره «احمد بن هلال» این است که ایشان دو حالت دارد: یکی قبل از انحراف و فساد عقیده و دیگری بعد از انحراف و فساد عقیده.

اگر روایتی قبل از انحراف از او نقل شده باشد، آن روایت مورد قبول است؛ همان طوری که شیخ طوسی در «عدّه‌الاصول» بیان کردند و اما اگر بعد از انحراف و فساد عقیده روایتی را نقل کرده باشد، غیر قابل قبول است.

و اگر از کتاب «مشیخه» و «نوادر» روایت کرده باشد، مورد قبول است؛ همان طوری که «ابن غضائری» قائل به آن است و اگر از آن دو کتاب نقل نکرده باشد، مورد قبول نیست.

لیکن تشخیص این که روایات نقل شده از طرف او، قبل از انحراف است یا بعد از انحراف؛ فقط برای مشایخ ثلاثه (محمد بن حسن طوسی، محمد بن یعقوب کلینی، محمد بن علی بن بابویه) ممکن بوده و برای ما امکان‌پذیر نیست.

آن چیزی در این ایام برای ما مفید و ممکن است، این است که بگوییم: روایات نقل شده از طریق «احمد بن هلال» اگر در کتاب «اصول کافی» و «من لایحضره الفقیه» باشند، برای ما حجت و مورد قبول است؛ چون آنان سعی‌شان نقل اخبار صحیحه بوده است و از نقل آن‌ها ما کشف می‌کنیم که روایات معتبر و قبل از انحراف را، نقل کرده‌اند؛ ولی اگر روایات نقل شده از طریق «احمد بن هلال» در کتاب‌های «التهذیب» و «الاستبصار» باشد، قابل قبول نیست؛ چون سعی و کوشش آن‌ها استقصاء و جمع احادیث بوده و به صحت و سقم توجّهی نمی‌کردند (شوشتری، ۱۳۷۴ش، ۱/۶۷۷).

نتیجه

از آنچه بیان شد دانستیم که احمد بن هلال و ملقب به «عبرتائی، عبرتی، کرخی، بغدادی» و دارای آثاری چون «النوادر» و «یوم و لیل» فردی بود که در ۸۷ سال زندگانی خویش بخش عمده‌ای از آن را در مصاحبت و تلمّذ از ائمه علیهم صلوات الله گذراند تا آنکه در دوران امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عدم پذیرش نایب دوم آن حضرت، عملاً دچار انحراف و طرد از سوی آن حضرت و نیز شیعیان گشت و در کتب رجالی از او به عنوان غالی و ناصب و ملعون و... یاد شده است.

این امور باعث شد تا نسبت به پذیرش یا عدم اعتماد به روایات منقول از او حساسیت بیشتری مصروف گردد؛ از همین رو می‌باید اشاره نمود که آنچه به صواب نزدیکتر است پذیرفتن روایات وی پیش از انحراف و ارتداد است و البته در این میان تشخیص زمان روایات منقول از او و تعیین آن، قدری مشکل است که از همین جهت به نظر می‌آید که راهکار بیان شده توسط شیخ شوشتری می‌تواند راهگشا باشد و در واقع رجوع به «الکافی» و «من لایحضره» این روند را آسان تر می‌نماید.

البته نظر برخی بدین که فساد عقیده مدخلیتی در اعتبار و عدم اعتبار روایات ندارد می‌تواند قابل خدشه باشد چه اینکه اگر آن

روایتی که فساد عقیده او را ثابت می‌کند، صحیح و معتبر باشد، هرگز نمی‌توان با توجه به روایات متعددی که پیش تر در لعن و نفرین و مذمت و تقیح این گونه افراد اشاره شد میان فساد عقیده و عدم اعتبار گفته و روایات آنان تفکیک قائل شد و سخنان چنین افرادی را علی‌الإطلاق معتبر دانست بلکه پذیرش روایات آن‌ها نسبی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۵ ق
۲. ابن داود، حسن بن علی حلی، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش
۳. استرآبادی، میرزا محمد علی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، چاپ اول، قم: موسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۲۲ ق
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، قم: موسسه القیوم، ۱۴۱۹ ق
۵. تفرشی، سید مصطفی بن حسین حسینی، نقد الرجال، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۸ ه ق
۶. جاسم، محمد حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، مترجم سید محمد تقی آیت‌اللهی، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۵ ش
۷. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه)، خلاصه الاقوال، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا
۸. خواجه‌یوبی، محمد اسماعیل بن حسین، الفوائد الرجالیة، تحقیق: سید مهدی رجایی، چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق
۹. زین‌الدین، حسن، منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان، تحقیق: سید علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ ش
۱۰. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش
۱۱. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه، بیروت: دار التعارف، ۱۴۱۲ ق
۱۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ ه ق
۱۴. الغیبه، کتاب الغیبه للحجه، تحقیق: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، چاپ اول، قم: دار المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق
۱۵. اختیار معرفه الرجال، تحقیق: حسن مصطفوی، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸ ش
۱۶. الفهرست، نجف: المکتبه المرتضویه، بی‌تا
۱۷. تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ه ق
۱۸. رجال الطوسی، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق
۱۹. العده فی الاصول الفقه، تحقیق: محمد رضا الانصاری، چاپ اول، قم: انتشارات ستاره، ۱۴۱۷ ق
۲۰. عاملی، بهاء‌الدین محمد بن حسن، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، قم: مکتبه بصیرتی، بی‌تا
۲۱. الغضائری واسطی بغدادی، احمد بن حسین، رجال ابن غضائری، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ ش
۲۲. فضلی، عبدالهادی، اصول الحدیث، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه ام‌القری، ۱۴۲۱ ق
۲۳. کنی، علی، توضیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محمد حسین مولوی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۱ ق

۲۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محی الدین عاملی، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، بی تا
۲۵. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه فی علم الدرایه، قم: آل البیت، ۱۴۱۱ق
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
۲۷. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۳ق
۲۸. النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الاسدی الکوفی، رجال النجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

